



12 مارچ 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

«آیا روسیه توان رقابت با غرب در افغانستان را دارد؟»

عنوان فوق موضوع بحث مهم و دلچسپی است که نویسنده و محقق آگاه افغان محترم ولی آریا آنرا نوشته و در سایت فارسی/ دری بی بی سی دیروز مورخ 11 مارچ 2017 (مطابق 21 حوت 1395ش) به نشر رسانیده که با تشکر از سایت مذکور خواستم این مقاله تحلیلی و مهم را از آن سایت اقتباس کرده و خدمت علاقمندان در این پورتال تقدیم دارم:

ولی آریا تحلیلگر سیاسی

شروع مقاله:

اکنون تقریباً تمام همسایگان افغانستان یا بطور مستقیم از طالبان حمایت می‌کنند و یا با آنها تماس مستقیم دارند. حمایت ایران و اخیراً روسیه از طالبان را به هیچ عنوان نمی‌توان یک تغییر استراتژیک نامید، ولی پاکستان طبیعتاً در حمایت از طالبان رویکردی استراتژیک داشته است. تماس‌های چین، شریک استراتژیک پاکستان با این گروه را نیز می‌توان در همین چارچوب تعبیر کرد. در اینکه روسیه می‌تواند در افغانستان درد سر ایجاد کند و برای ثبات این کشور موانعی بیافریند شکی نیست، ولی آیا این کشور می‌تواند به تنهایی خطر جدی و استراتژیکی را برای ائتلاف به رهبری امریکا در افغانستان ایجاد کند؟ آیا کلاً روسیه را می‌توان با شوروی سابق مقایسه کرد و اینطور تعبیر کرد که نظام بین الملل دوباره در حال دوقطبی شدن است و تمام تحولات بین المللی بر محور رقابت بین امریکا و روسیه می‌چرخد و افغانستان هم از آن مستثنی نیست؟

رابطه روسیه و طالبان و حمایت این کشور از آنها مبتنی است بر استفاده ابزاری و رویکردی تاکتیکی. روسیه ادعا دارد که برای مبارزه با داعش و در جهت ایجاد ثبات در افغانستان با این گروه در ارتباط است، ولی واقعیت این است که این کشور می‌خواهد از این طریق هم روی غرب فشار بیاورد تا تحریم‌های مربوط به اوکراین را از میان بردارد و هم آقای پوتین می‌خواهد انتقام شکست شوروی سابق در افغانستان را در همین کشور از غرب بگیرد. ولی آیا این واقعیت‌ها است؟ روسیه جلسه ای را با شرکت شش کشور در سطح نمایندگان ویژه در مورد افغانستان برگزار می‌کند، ولی افغانستان از روی بی میلی فقط در سطح رئیس نماینده می‌فرستد. در جلسه ای که البته خلاف برداشت شماری از صاحب نظران هیچ نماینده ای از طالبان در آن حضور نداشت. این چه پیامی را می‌رساند؟

شوروی سابق با ۲/۶ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی دومین قدرت اقتصادی جهان بود و ۸/۵ درصد آن را صرف بودجه دفاعی می‌کرد. روسیه فعلی با ۱/۳ تریلیون دلار سیزدهمین اقتصاد دنیا

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

است فقط ۵ درصد تولید ناخالص داخلی خود را به بودجه دفاعی اختصاص داده است. هفت کشور اروپای شرقی، اروپای مرکزی، و آلمان شرقی که نیمی از آلمان کنونی است بخشی از پیمان دفاع دسته جمعی بودند که تحت رهبری شوروی سابق قرار داشت، یعنی پیمان ورشو. این هفت کشور، و مهمتر از آن، سه کشور حوزه بالتیک که بخشی از خاک شوروی بودند، اکنون عضویت ناتو یعنی سازمان رقیب پیمان ورشو را کسب کرده اند. بعد از فروپاشی شوروی، کارشناسان به این نتیجه رسیدند که امریکا قدرت شوروی را بیش از حد تخمین زده بود و حالا نباید این اشتباه در مورد روسیه کنونی که به مراتب از شوروی سابق ضعیف تر است، تکرار شود.

نشریه جیوپولیتیکل فیوچرز می‌نویسد، آمریکا بعضی اوقات توان دشمن خود را بیش از حد واقعی تخمین می‌زند. جنگ جهانی دوم شوروی را درهم شکسته بود. این کشور تسلیحات زیادی را در اختیار داشت، ولی آموزش، ساختار فرماندهی، روحیه و سیستم لوژیستیک آن از قدرت لازم برای یک جنگ تمام عیار برخوردار نبود. شوروی ها این را می دانستند. با وجود اینکه غربی ها به توان بالای شوروی باور داشتند، ولی این کشور هرگز دست به حمله نزد. در عوض آنها در دهه های هفتاد و هشتاد جهت تضعیف اعتماد به نفس غرب به جنگ تبلیغاتی و عملیات های روانی روی آوردند و از گروه های تروریستی در اروپا حمایت کردند تا گروه هایی را برای هواداری از شوروی در نقاط مختلف جهان داشته باشند. آمریکایی ها و غربی ها هرگز به این نکته پی نبردند که این عملیات ها از قدرت شوروی نمایندگی نمی‌کند بلکه هدف از طراحی آن ها لطمه زدن به اعتماد به نفس غرب است. شوروی به مراتب ضعیف تر از آن چیزی بود که تصور می‌شد. و شوروی ها در واقع به آمریکایی ها کمک کردند قدرت شان را بیش از آنچه بود تخمین بزنند. اکنون هم می‌توان استدلال کرد که روسیه کنونی از همین روش استفاده می‌کند. الحاق کریمه، مداخله در سوریه در اثر انفعال دولت اوباما، حمایت از طالبان در افغانستان، هک کردن انتخابات امریکا که حتی چند هکر ماهر بدون پشتوانه یک کشور هم می‌توانند انجام دهند، همه در همین راستا است. با این وجود نقش روسیه در افغانستان را نمی‌توان با نقش این کشور در اوکراین و سوریه مقایسه کرد. روسیه هرگز اندیشه مداخله مستقیم نظامی در افغانستان را در سر نخواهد پروراند، حتی اگر ائتلاف غرب در این کشور با شکست مواجه شود، مگر اینکه دست به یک تصمیم ناآشیاانه بزند. بر علاوه جنگ تبلیغاتی که روسیه علیه غرب به راه انداخته است، حمایت روسیه از طالبان را بر اساس مقوله دشمن دشمن من دوست من است نیز می‌توان تعبیر کرد، نکته ای که در مورد حمایت ایران از طالبان نیز صدق می‌کند.

و اما در سطح جهانی، در حال حاضر و در آینده امریکا با دو دشمن عمده رو برو است، چین و روسیه. در هر دو مورد، به نظر می‌رسد قدرت آنها بیشتر از آنچه هست برآورد می‌شود و ضعف های شان هم به درستی درک نمی‌گردد. از همین جهت است که امریکا پاسخ روشنی هنوز به هیچ کدام شان ندارد و بخصوص با روی کار آمدن آقای ترامپ، این وضعیت پیچیده تر و مبهم تر شده است. این نکته را می‌توان در صحبت با خیلی از مسئولین، استراتژیست ها و صاحب نظران امریکایی در یافت. منجمله جورج فریدمن از نشریه استراتفور.

چین قدرت عمده ای است با مشکلات و محدودیت هایش. مشکل اصلی، اقتصاد آن است که در اثر کاهش صادرات و سیستم مالی پر معضالش بطور چشمگیری تضعیف شده است. این مشکل در خیلی از کشور ها قابل مدیریت است، ولی فقر و نابرابری شدید، توانایی این کشور در وفق دادن خود با

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

شرایط جدید را دشوار کرده است. با آنکه چین از نظر تولید ناخالص ملی دومین اقتصاد جهان است، اما بعید به نظر می‌رسد در آمد سرانه آن کشور بتواند تا چندین دهه دیگر خود را با رقبای غربی اش هم‌تراز نماید. از نظر نظامی هم چین قادر نیست وارد یک جنگ تمام عیار گردد. توان چین نیز بطور قابل ملاحظه‌ای بالاتر از واقعیت تخمین زده شده است و در مورد ضعف‌هایش کمتر صحبت می‌شود.

روسیه هم در شرایط مشابهی قرار دارد. اقتصادش در وضعیت دشواری به سر می‌برد و عمدتاً بر صادرات نفت و گاز و واردات تولیدات اروپایی استوار است. رشد اقتصادی آن کشور در چند سال گذشته منفی بوده است. در اوکراین که از اهمیت استراتژیکی برخوردار است روسیه نتوانست درست عمل کند، در عوض دست به مداخله کوچکی در سوریه زد که دارای اهمیت استراتژیکی برای روسیه نیست و با منافع این کشور نیز رابطه مستقیمی ندارد. هدف فقط این بود که روسیه را نزد افکار عمومی خودش و غرب بزرگ جلوه دهد. که البته در این هدف خود تا حدودی موفق بوده است. اما سوال اساسی این است که آیا اقتصاد رو به رکود و نظام سیاسی روسیه که بر اولیگارش‌ی استوار است قادر خواهد بود از پس هزینه‌های این ماجراجویی‌ها در بلند مدت برآید؟ آیا بزرگنمایی‌های روسیه آن کشور را با سرنوشت شوروی سابق مواجه خواهد ساخت؟

اندرو ویس از موسسه کارنگی برای صلح بین‌الملل معتقد است، نمی‌توان گفت روسیه در افغانستان حضور دارد. "ما در اینجا در مورد ادیت کردن و تلاش‌های روس‌ها برای لطمه زدن به مساعی ایالات متحده و ناتو صحبت می‌کنیم. روس‌ها دارند غرب و دولت افغانستان را در زمینه صلح دور می‌زنند. آنها در حال مشروعیت دادن به طالبان اند. این ادعای روس‌ها که طالبان تنها گروهی است که در مقابل داعش می‌رزمند، کاملاً دروغ است". اقدامات روس‌ها خلاف ادعای شان به خشونت بیشتر در افغانستان و منطقه خواهد انجامید.

روس‌ها در وضعیت ژئوپولیتیک جدیدی که پدید آمده می‌خواهند بیطرف نمانند و از یکی از طرف‌های منازعه حمایت کنند که در نهایت به تیشه به ریشه خود زدن منجر خواهد شد. این برای شهروندان افغانستان جای بدبختی است که باری دیگر یکی از همسایگان شان از جریانی حمایت می‌کند که از هیچ نوع محبوبیتی در سطح جامعه برخوردار نیست. اگر بهانه داعش است، فردا که داعش از صحنه برچیده شود که با احتمال خیلی زیاد چنین هم خواهد شد، روس‌ها با طالبانی که تا آن زمان پر و بال بیشتری خواهند گرفت چه خواهند کرد؟ داعش دیر یا زود به تاریخ خواهد پیوست چون تقریباً همه در مقابل آن قرار گرفته‌اند. سوال اینجاست، اکنون که بیشتر همسایگان افغانستان در کنار طالبانند، بعد از نابودی محتمل داعش، چه رویکردی با طالبان خواهند داشت؟ حتی پاکستان که رویکردی استراتژیکی با طالبان دارد، در آن زمان نخواهد توانست بین طالب خوب و بد تفکیک قائل شود، زیرا همه با یک ایدئولوژی سر کار خواهند داشت.

منجلا ب جدید وضعیت ژئوپولیتیک منطقه را پیچیده تر می‌کند. روس‌ها ادعا می‌کنند که رابطه آنان با طالبان در سطح یک تماس است و آنان از طالبان حمایت نمی‌کنند. روس‌ها اعلام نموده‌اند که از برقراری تماس با طالبان سه هدف را پیگیری می‌کنند: اول حمایت از شهروندان و اماکن دیپلماتیک روسیه در افغانستان، دوم استفاده از طالبان در برابر داعش، و سوم ترغیب طالبان برای پیوستن به پروسه صلح. اما سوال اساسی این است که چگونه یک گروه تروریستی ممکن است صرف به خاطر

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

یک تماس حاضر شود این همه توقعات روسیه را که سابقه اشغال افغانستان را با خود دارد برآورده کند؟ این در حالی است که طالبان هر نوع ارتباط با روسیه را انکار می‌کنند، چون می‌دانند که روابط با روسیه می‌تواند به بدنامی بیشتر داخلی شان منجر شود. .

روسیه ادای قدرتی را در می‌آورد که در حال رقابت با غرب و امریکا است، ولی جای تاسف است که بخشی از این رقابت را در افغانستان براه می‌اندازد. هر چند توان روسیه قابل مقایسه با غرب نیست ولی اگر با کشورهای دیگر حامی طالبان متحدانه عمل کند، می‌تواند توان خرابکاری زیادی در افغانستان داشته باشد، ولی به تنهایی از نیش زدن به قوزک پای غرب نمی‌تواند فراتر برود. با این وجود، هرچند که نظر سنجی رسمی در این مورد صورت نگرفته است، ولی اگر قرار باشد قدرت و نفوذ روسیه در افغانستان را با نفوذ پاکستان و ایران در این کشور مقایسه کنیم، روسیه را می‌توان در جایگاه سوم قرار داد. این نفوذ عمدتاً ناشی از میراث شوروی سابق در افغانستان است و شواهد نشان می‌دهد که روسیه از این حوزه نفوذ خود در جنگ تبلیغاتی و ترویج تئوری های توطئه علیه غرب و افغانستان استفاده می‌کند. جنگ تبلیغاتی و روانی روسیه که عمدتاً از دو سال اخیر آغاز یافته است از یک سو و حمایت آن کشور از طالبان از سوی دیگر، روسیه را به یک همسایه دشوار برای افغانستان تبدیل کرده است. بدیهی است اگر حکومت افغانستان و متحدین غربی اش برای این خطر جدید یک استراتژی روشن و کار آمد طراحی نکنند، تبعات ناشی از آن، در بلند مدت، می‌تواند ثبات افغانستان را با تهدید مواجه نماید.

(پایان مقاله؛ نویسنده محترم ولی آریا - منتشره سایت فارسی بی بی سی)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ